

## راهبردهای طراحی جهت افزایش حضورپذیری بانوان در مجتمع‌های مسکونی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

کد مقاله: ۳۲۵۹۸

داود آقازاده<sup>۱\*</sup>، پریسا هاشم پور<sup>۲</sup>، حامد بی‌تی<sup>۳</sup>، نیما معماری<sup>۴</sup>

### چکیده

اهمیت روابط اجتماعی در عصر حاضر به خصوص در محیط‌های شهری بر کسی پوشیده نیست. محیط‌های باز مجتمع‌های مسکونی به عنوان شکل تازه‌ای از زندگی جمعی و نیز گونه‌ای دیگر از محیط‌های شهری و محل برخورد ساکنان این محیط‌ها، بر روابطی که در آن شکل می‌گیرد، تاثیر می‌گذارد. در عصر حاضر و با فرهنگی جدید، در مقایسه با گذشته بانوان نقشی مهم و اثرگذار در خانواده‌ها را ایفا می‌کنند و حضور بانوان در عرصه‌های مختلف زندگی جمعی و اجتماع، با تغییر در ذات پویای فرهنگ پررنگ‌تر گشته است. بنابراین، اهمیت محیط‌های مجتمع‌های مسکونی به عنوان عاملی اثرگذار بر روابط بین ساکنین و حضور بانوان در اجتماع، موجب گشته است، این پژوهش به دنبال استخراج مولفه‌های اثرگذار بر حضور بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی از نوع کیفی، با روش توصیفی-تحلیلی و ساختار پژوهش حاضر برپایه‌ی مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مطالعه پژوهش‌های صورت یافته در زمینه حضورپذیری و مطالعه موردی مجتمع‌های مسکونی تبریز می‌باشد. در نهایت این پژوهش اذعان دارد که در واکاوی نمونه‌های موردی، راهبردها و پیشنهادهایی به منظور افزایش حضور بانوان به عنوان شخص مهم و تاثیرگذار خانواده‌ها، قابل استخراج می‌باشد که ارائه این راهبردها و استفاده از آن‌ها می‌تواند در بهبود روابط ساکنین مجتمع‌ها، تاثیرگذار بوده و در عمیق‌ترین لایه‌های خانه، محیطی را فراهم سازد که حس آرامش، آسودن، دوری از دغدغه و مشغله‌های روزانه را فراهم سازد. شناخت مولفه‌های کالبدی اثرگذار بر حضورپذیری بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی، موضوعی اثرگذار بر افزایش کیفیت زندگی جمعی و بهبود وضعیت روحی، روانی و عاطفی بانوان و در نتیجه اثر مثبت بر کیفیت زندگی خانواده‌ها دارد. نهایتاً در این پژوهش معیارهای حضورپذیری بانوان در ۵ دسته‌ی ایمنی و امنیت، تنوع و سرزندگی، خوانایی، حذف عوامل آزاردهنده و حضور دیگران تنظیم گشت. و مجموعاً در ۱۹ شاخصه اصلی قابل استنتاج از این مولفه‌ها، ۱۹ راهبرد طراحی، به منظور افزایش اجتماع‌پذیری و حضورپذیری بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی در قالب جدولی ارائه شد.

واژگان کلیدی: متن چکیده، متن چکیده، متن چکیده،

۱- کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

d.aghazadeh@tabriziau.ac.ir

۲- استاد و عضو هیئت علمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۳- دانشیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

اهمیت خانه و القاء حس آسودگی آن بر خانواده‌ها بر کسی پوشیده نیست. خانه مفهومی فراتر از یک سرپناه و به عنوان محلی برای آسودن، آرامش خیال و دوری از دغدغه و مشغله‌های روزانه دارد. با وجود اینکه از دیرباز مسکن به عنوان مامن و پناهگاه انسانی بستر کالبدی و فضای مناسبی برای بهبود روابط انسان‌ها در سطح خانواده و همسایگی فراهم آورده است ولی امروزه با توجه به انبوه مجتمع‌های مسکونی و گسترش آپارتمان نشینی به نظر می‌رسد این نقش کم رنگ‌تر شده است (علمی و همکاران، ۱۳۹۹)، لذا حضور انسان‌ها در فضاهای اجتماعی و برقراری ارتباط بین آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در راستای اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی فضاهای عمومی امکان ملاقات افراد را فراهم می‌آورند که برای این ملاقات واسطه‌هایی در قالب افرادی که دیگران را گردهم آورده یا فعالیتی مشترک و موضوعی که شرایط اجتماعی را فراهم می‌آورد مورد نیاز است (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴). حضورپذیری و اثرات آن ممکن است تغییر عمده‌ای در مردم ایجاد کند باعث ارتباط بیشتر آنان با دنیای بیرونی می‌شود این تعاملات اجتماعی لازمه‌ی سعادت عمومی بوده و بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم است (ضابطیان و تقوایی، ۱۳۸۸). شناخت مولفه‌های اثرگذار بر حضورپذیری در راستای بهبود حضورپذیری افراد در محیط‌های مختلف موضوعی است که پژوهشگران متعددی برای گروه‌های سنی مختلف، اقشار مختلف اجتماعی بدان پرداخته‌اند، لذا شناخت مولفه‌های کالبدی اثرگذار بر حضورپذیری بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی، درباب بهبود حضورپذیری بانوان در جامعه‌ای با ایدئولوژی متفاوت نسبت به گذشته، موضوعی اثرگذار بر افزایش کیفیت زندگی جمعی و بهبود وضعیت روحی، روانی و عاطفی بانوان و در نتیجه اثر مثبت بر کیفیت زندگی خانواده‌ها داشته باشد.

این پژوهش با در نظر داشتن هدف دستیابی به مولفه‌های حضورپذیری بانوان در مجتمع‌های مسکونی، در پی شناخت مولفه‌های کالبدی حضور پذیري در مجتمع‌های مسکونی جهت ارائه راهبردهای طراحی برای بهبود کیفیت مجتمع‌های مسکونی می‌باشد.

## ۲- چارچوب پژوهش

هدف: استخراج مولفه‌های اثرگذار بر حضور بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی می‌باشد.  
فرضیه: امروزه با توجه به انبوه مجتمع‌های مسکونی و گسترش آپارتمان نشینی به نظر می‌رسد نقش مسکن و محیط‌های مسکونی به عنوان بستر کالبدی و فضای مناسب برای بهبود روابط انسان‌ها در سطح خانواده و همسایگی کم رنگ‌تر شده است.

سوال: شاخص‌های اجتماع‌پذیری و حضورپذیری بانوان در مجتمع‌های مسکونی کدام‌اند؟  
روش تحقیق: پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی از نوع کیفی، با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با توصیف و ارزیابی تک به تک مولفه‌های حضورپذیری، تمام مولفه‌ها را مورد تحلیل قرار داده است. رویه انجام پژوهش حاضر، مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مطالعه پژوهش‌های صورت یافته در زمینه حضورپذیری می‌باشد. در راستای دستیابی به چارچوب نظری و ارائه مدل تحلیلی، در ابتدا به تعریف حضورپذیری پرداخته و با تعمیم موضوع حضورپذیری به کل افراد و جنسیت‌های مختلف، دلیل تمرکز به حضورپذیری بانوان را ارائه داده شده است. در ادامه مبانی بر اساس مباحث صاحب‌نظران و کارشناسان با رویکرد تحلیل محتوا تنظیم گشته و پارامترهای حوزه شهرسازی به معیارهای حوزه معماری تبدیل گشته است. لازم به ذکر است، معیارهای حضورپذیری در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی به گونه‌ای انتخاب شده است که امکان بازشناسی آن‌ها در پارامترهای کالبدی محیط، میسر باشد، لذا پژوهش حاضر پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود. نهایتاً مولفه‌های حضورپذیری زنان و راهبردهای طراحی برای افزایش حضور آن‌ها، استخراج و ارائه می‌گردد.

## ۳- تعاریف پایه

مسکن: در واقع ریشه کلمه سَكَن از ماده مسکن به معنی آرام گرفتن بعد از حرکت، سکونت، آرامش باطن و اُنس گرفته شده است. مسکن اسم مکان کلمه ساکن است. یعنی جایی که محل آرامش و اسکان می‌باشد. پس عمده‌ترین کاربری مسکن آرامش افراد مستقر در آن خواهد بود که این آرامش جنبه جسمانی و روحی انسان را در بر می‌گیرد (اینانلو، ۱۳۸۰: ۱۱).

حضورپذیری: واژه حضورپذیری مربوط به طراحی شهر است، اما مباحثی که در ارتباط با حضور پذیری است، در تمامی حوزه‌ها مشترک است. با بررسی معیارهای موثر بر حضورپذیری در انواع کتب، مقالات و گزارش‌های صاحب‌نظران در این رویکرد، ایمنی و امنیت، تنوع و سرزندگی، خوانایی، حذف عوامل آزاد دهنده، حضور دیگران، مولفه‌هایی هستند که در دیدگاه اکثر نظریه پردازان دارای اهمیت بوده و اصلی‌ترین معیارهای موثر در حضورپذیری می‌باشند. به عبارتی، این مولفه‌ها شناخت عواملی که امکان برگزیدن فضا از طرف ساکنین و همچنین حضور و ماندن انسان‌ها در فضا را ایجاد می‌کنند را تشکیل می‌دهد (آقازده، ۱۴۰۰: ۱۴).

حضورپذیری مشتق از دو کلمه حضور و پذیرش می‌باشد. حضور در لغت به معنای بودن و پذیرش حضور به معنای عواملی که موجب میل به حضور یافتن در مکانی را در افراد ایجاد می‌کند. حضورپذیری به معنای اجتماع پذیری، میزان معاشرت پذیری و امکان برقراری روابط اجتماعی است. این مفهوم نمایش معانی فرهنگی، تاریخی، هنری، تفکر مردم و یا ایده‌های منحصر بفرد انسان هاست که به صورت فعالیت‌های جمعی و روابط اجتماعی مردم، اجراهای هنری و انجام مراسم و رویدادهای فرهنگی در حضور سایر افراد جامعه حضور پیدا می‌کنند. این فعالیت‌ها در صورت مدیریت صحیح امکان تحقق دارند و مدیریت است که با استفاده از امکانات انعطاف پذیری و انطباق پذیری قرارگاه رفتاری امکان رخ دادن چنین تعاملاتی را در طول روز کنترل و هدایت می‌کند (آقازاده، ۱۴۰۰: ۱۴).

#### ۴- پیشینه

در رابطه با موضوع حضورپذیری در مجتمع‌های مسکونی پژوهش‌های زیادی از باب گروه‌های سنی- اجتماعی، اقشار مختلف، ساکنین و استفاده کنندگان از مجتمع‌های مسکونی و همچنین گونه‌بندی مجتمع‌های مسکونی و ... به عمل آمده است، در چند کلید واژه کلی تحت عنوان مسکن، محیط مسکونی و مجموعه‌ی مسکونی، پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته بررسی شد. در این بررسی، ۹۷۵ مقاله علمی پژوهشی در رشته‌های مختلف، اعم از معماری، سازه و عمران، اقتصاد و مدیریت و ... انجام یافته است، که در بررسی جزئی تر ۲۶۰ پژوهش در حوزه معماری صورت گرفته، که از بین ۲۶۰ پژوهش، ۸۰ پژوهش در مورد مولفه‌های کالبدی، مولفه‌های حضورپذیری بوده، که در یک تقسیم‌بندی در جدولی عنوان «تحلیل کمی پژوهش‌های موجود در زمینه مجتمع‌های مسکونی» در زیر آورده شده است (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تحلیل کمی پژوهش‌های موجود در زمینه مجتمع‌های مسکونی، منبع: نگارندگان

تحلیل کمی پژوهش‌های موجود در زمینه مجتمع‌های مسکونی		
ردیف	پژوهش‌های انجام یافته در زمینه موضوعات مورد پژوهش	تعداد پژوهش‌های انجام یافته
۱	گروه سنی کودکان	۹ پژوهش
۲	گروه سنی بزرگسالان و کودکان	۱ پژوهش
۳	گروه سنی سالمندان	۳ پژوهش
۴	گروه سنی زنان	۱ پژوهش
۵	گروه ساکنین مسکن عمومی	۲۵ پژوهش
۶	گروه اقشار کم درآمد	۱ پژوهش
۷	پژوهش‌های انجام یافته در مسکن برای سایر موضوعات (کلید واژه های حضورپذیری و شاخصه های آن مانند امنیت- تعاملات اجتماعی- کیفیت زندگی- گونه بندی مجتمع های مسکونی و سایر موضوعات)	۴۰ پژوهش

آقازاده در پایان نامه با عنوان «طراحی مجتمع تجاری حضورپذیر با رویکرد زمینه‌گرایی در بافت تاریخی تبریز» در سال ۱۴۰۰، در برخورد با موضوع حضورپذیری، آن را میزان معاشرت پذیری و امکان برقراری روابط اجتماعی استنباط نموده و نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که این فعالیت‌ها در صورت مدیریت صحیح امکان تحقق دارند و مدیریت است که با استفاده از امکانات انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری قرارگاه رفتاری، امکان رخ دادن چنین تعاملاتی را در طول روز کنترل و هدایت می‌کند. قره- بگلو و خالقی مقدم در سال ۱۳۹۲ در پژوهشی تحت عنوان «گونه شناسی مجتمع‌های مسکونی، گامی موثر در طراحی با کیفیت مجموعه‌های مسکونی معاصر» با هدف واکاوی ادبیات موضوع چارچوبی متشکل از دو معیار مطرح در طبقه‌بندی مجموعه‌های مسکونی، یعنی تعداد طبقات و نحوه همنشینی فضاها باز و بسته، کیفیت فضایی هر یک از گونه‌های مجتمع‌های مسکونی را بر مبنای معیارهای ارزیابی کیفی، تحلیل کردند، سپس کلیه مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز را شناسایی و براساس این گونه‌ها دسته- بندی نمودند. در ارتباط با آپارتمان نشینی، پرداختن به اجتماع پذیری در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی، به عنوان یک محیط شهری اهمیت می‌یابد. ذبیحی و همکاران وی در سال ۱۳۹۰ میزان رضایتمندی از مجتمع‌های مسکونی و تاثیر آن بر روابط انسان‌ها را بررسی کردند. نتایج ایشان تاکید می‌کند هر قدر احساس رضایت از یک مجتمع مسکونی بالا رود میزان تاثیرگذاری عوامل محیطی و کالبدی نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از پژوهش دهناد و کریمی در سال ۱۳۹۴ با عنوان «ارزیابی نقش مولفه‌های موثر در فضای باز مجتمع‌های مسکونی بر ایجاد تعاملات اجتماعی» با هدف بررسی رابطه بین کیفیت فضای باز و

تعاملات اجتماعی در طراحی مجتمع‌های مسکونی، حاکی از آن است که نقش و قابلیت‌های مولفه‌های کالبدی، اجتماعی و ادراکی در طراحی مجتمع‌های مسکونی تاثیرگذار بوده و کیفیت فضاهای باز در فراهم آوردن بستری مناسب برای برقراری ارتباط و تعاملات اجتماعی ساکنین است.

در پژوهش‌های بررسی معیارهای ارزیابی کیفی فضاها از دید گروه‌های اجتماعی ویژه، حضورپذیری و اجتماع‌پذیری در مجتمع‌های مسکونی، برای گروه‌های سنی کودکان و سالمندان و همچنین ساکنین مجتمع‌های مسکونی، موضوعاتی است که در ادامه روند بررسی جزئی‌تر پژوهش‌های انجام یافته نمایان می‌گردد. در ارتباط با بحث حضورپذیری گروه‌های سنی و رضایتمندی ساکنین از محیط‌های باز و محوطه‌های مجتمع‌های مسکونی، هاشم‌پور و همکاران در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی تحت عنوان «اجتماع‌پذیری کالبدی مجتمع‌های مسکونی برای گروه سالمندان در تبریز» با هدف تبیین اجتماع‌پذیری کالبدی مجتمع‌های مسکونی برای گروه سالمندان در تبریز، به ارزیابی شاخص‌های حضورپذیری و اجتماع‌پذیری سالمندان در نمونه‌های مورد بررسی پرداخته‌اند و در نتیجه‌ی پژوهش، راهکارهایی جهت بهبود اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی برای سالمندان ارائه داده‌اند. در پژوهشی دیگر تحت عنوان «شاخص‌های کالبدی اجتماع‌پذیری برای سالمندان در مجتمع‌های مسکونی» با هدف شناخت و تبیین روابط بین شاخص‌های کالبدی اجتماع‌پذیری برای سالمندان در مجتمع‌های مسکونی، شاخص‌های اجتماع‌پذیری برای گروه سنی سالمندان براساس نیازهای آنان و نظریات اجتماع‌پذیری در مجتمع‌های مسکونی جمع‌آوری نموده و بر اساس آمارهای این پژوهش، شاخص‌های ایمنی و امنیت، استفاده از فضاهای طبیعی و جانمایی مبلمان جهت ایجاد فضای مکث تاثیر بیشتری در اجتماع‌پذیری محیطی برای گروه سنی سالمندان قرار دارند. در ارتباط با حضورپذیری و اجتماع‌پذیری گروه سنی کودکان و گروه ساکنین مجتمع‌های مسکونی نیز، پژوهش‌هایی در جهت بهبود حضورپذیری و اجتماع‌پذیری کودکان و ساکنین انجام گرفته است، لذا پرداختن به حضورپذیری زنان در محیط‌های باز مجتمع‌های مسکونی، به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی اثرگذار در جامعه‌ای با ایدئولوژی متفاوت نسبت به گذشته، امری است مهم و غیر قابل انکار؛ از طرفی پژوهش‌های پیشین انجام یافته در این زمینه برای گروه‌های اجتماعی دیگری صورت گرفته، لذا پاسخ به این خلاء هدفی است که پژوهش حاضر در پی آن است.

#### ۴- مبانی نظری

##### ۴-۱- حضورپذیری

در ارتباط با موضوع حضورپذیری نظریه پردازان متعددی به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند، "ویلیام وایت" در کتاب زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک به دنبال راه‌هایی برای افزایش سرزندگی و حضور مردم در فضاهای شهری بوده و در پروژه "زندگی خیابانی" درونمایه اصلی پروژه را زمینه‌های انسان‌شناسی، قوم‌نگاری علمی و مطالعات فرهنگی قرارداد و در نهایت زندگی خیابانی را چنین تعریف نمود که "در آنجا مردم ساعت‌ها باهم حرف می‌زنند یا خداحافظی‌های طولانی دارند" و این باعث رشد رفتارهای شهری می‌شود (وایت، ۱۹۸۰: ۲۱۲). جین جیکوبز "بر لزوم "سرزندگی" فضاهای شهری را در خیابان‌ها تأکید کرده است و معتقد است که می‌تواند در بهبود رفتارهای شهروندی مؤثر باشد. "یان گل" این ویژگی را با اصطلاح "شهر دعوت کننده" به کار می‌برد چون در این فضا می‌توان با هم‌شهری‌هایمان چهره به چهره دیدار کرد و به طور مستقیم از راه حواس به تجربه اندوزی پرداخت (گل، ۱۹۸۷).

از آنجا که حضور مردم در شهر از دغدغه‌های اصلی طراحان است، افراد بسیاری به آن پرداخته‌اند، با اینکه اصطلاحات مورد استفاده در آن متفاوت است، اما نکته مهم آن است که مفاهیم مشترک بسیاری نیز در بین این اصطلاحات وجود دارد. "ویلیام وایت" در کتاب زندگی اجتماعی در شهرهای کوچک به دنبال راه‌هایی برای افزایش سرزندگی و هم‌چنین حضور مردم در شهر بوده و در پروژه "زندگی خیابانی" زمینه‌های انسان‌شناسی، قوم‌نگاری به صورت علمی و مطالعات فرهنگی را درونمایه اصلی پروژه قرار داد. ویلیام وایت در نهایت زندگی خیابانی را این چنین تعریف نمود: "در آنجا مردم ساعت‌ها با هم حرف می‌زنند یا خداحافظی‌های طولانی دارند" که این باعث رشد رفتارهای شهر می‌شود (وایت، ۱۹۸۰: ۲۱۲). با انجام تحقیقات اولیه در مورد طراحی شهر مشخص می‌شود که فضاهای مردم‌گریز غالباً ترویج دهنده سرعت بالا و کالبدهای ایزوله می‌باشند و طراحی مسیر به عنوان راه عبوری پیش‌بینی شده است. در صورتیکه در فضاهای مردم‌گرا تأکید بر مکث، جمع شدن و حضور می‌کند. فضاهای مردم‌گرا با کیفیت‌هایی که ارائه می‌دهند غالباً بستر مناسبی برای فعالیت‌های اختیاری هستند. تأکید بر پیاده روی در مردم‌گرا نمودن فضاهای شهر نقش مهمی را بازی می‌نماید. چون حرکت سواره مسالو با سرعت و عدم فرصت کافی برای درک محیط و برقراری ارتباط با آن و با سایر مردم است (بختیار، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در فضاهای شهر، کیفیت‌هایی همانند همه شمول بودن و حس مکان دارای نقش پررنگ‌تری می‌باشند. توجه به گیاهان در لایه‌ها و سطوح متنوع باعث می‌شود افراد در سنین مختلف، توانایی‌های متفاوت در نتیجه خط‌دیدهای مختلف دیدهای مطلوبی از فضا داشته باشند. با این حال که متریاال‌های طبیعی منتقل‌کننده ی حس خوب هستند، اما همه آنها مناسب فضای مردم‌گرا نیستند. مصالحی همچون قلوه سنگ پیاده روی را سخت می‌کند و

شهروندان این فضاها را انتخاب نمی کنند. در عمل کف سازی نامناسب توجه را بیش از حد جلب کرده و بر فعالیت های درون فضایی تأثیر منفی می گذارد و از برقراری تعامل اجتماعی با دیگران جلوگیری می کند (بختیار، ۱۳۹۰: ۸۹).

محوطه ها را می توان مهم ترین بخش از مجتمع های مسکونی مطرح کرد. جایی که بیشترین اندازه از تماس و تعامل انسان ها اتفاق می افتد (شیرانی، ۱۳۸۲). در ارتباط با اهمیت محوطه های مسکونی بیان شده است که هر مجتمعی در طول تاریخ خود، فضاهای اجتماعی مشخصی به نیازهای مختلف و متفاوت برای تولیدات اقتصادی و اجتماعی پاسخگو باشد را شکل می داده است (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۸). باید به این نکته توجه داشت که آنچه که باعث بروز یک فعالیت از سوی ساکنین و به تبع آن به فعلیت رسیدن امکانات بالقوه ی یک محیط می شود نیازی می باشد که ساکنین آن احساس می کنند. در واقع، هر فعالیت انسانی در هر جایی خاستگاهی دارد که از نیاز ناشی می شود به علاوه، رفتارهای افراد منشاءهای متفاوتی هم چون آرمان های فردی، اهداف و ارزش ها منابع موجود و غیره دارد در سلسله مراتب نیازهای مورد مطالعه ی مازلو که در زیر آمده است. نیاز به " در جمع بودن که با بعد اجتماعی شهر مربوط می باشد در جایگاه دوم قرار دارد و این امر نشانگر اهمیت بالای حضور در اجتماع و اجتماع پذیری افراد می باشد (پورقاسم، مرادی مسیحی و بندر آباد، ۱۳۹۸: ۲۹۳).

جدول ۲- جمع بندی نظریه پردازان و معیارهای حضور پذیری، منبع: آقازاده، ۱۷: ۱۴۰۰

صاحب نظران	کتاب - مقاله - گزارش	معیارهای	معیارهای موثر بر حضور پذیری
لینچ	کتاب «تئوری شکل شهر» ۱۳۸۴ کتاب «سیمای شهر» ۱۳۷۴	- سرزندگی - خوانایی	امنیت
جین جیکوبز	کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، ۱۳۸۶	- سرزندگی، اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیری فضاها (حذف عوامل آزاردهنده) - امنیت	
آلن جیکوبز و دونالد ایلپارد	مقاله «به سوی یک مانیفست طراحی شهری»، ۱۹۸۷	- سرزندگی، خوانایی، زندگی اجتماعی و همگانی (حضور دیگران)، محیطی برای همه (حذف عوامل آزاردهنده)	تنوع و سرزندگی
گودی	مقاله «دو آقا در ورنه: کیفیت های طراحی شهری»، ۱۹۹۳	- سرزندگی - خوانایی	
گرین	کتاب «شکل شهر»، ۱۹۹۲	سرزندگی	خوانایی
یان گل	کتاب «زندگی در فضای میان ساختمان ها»، ۱۳۸۷ «شهر انسان تر»، ۱۳۸۹	امنیت، سرزندگی، قابلیت نشستن (حذف عوامل آزاردهنده)	
مونتگومری	مقاله «ساخت یک شهر: شهرنشینی، سرزندگی و طراحی شهری»، ۱۹۹۸	سرزندگی، امنیت	حضور دیگران
کوروش گلکار	مقاله «مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری»، ۱۳۸۶	سرزندگی، خوانایی، کیفیت عرصه همگانی (حذف عوامل آزاردهنده)، امنیت،	
جهانشاه پاکزاد	کتاب «راهنمای طراحی شهری در ایران»، ۱۳۹۱	سرزندگی، امنیت	حذف عوامل آزاردهنده
وایت	کتاب «زندگی اجتماعی فضای کوچک شهری»، ۱۹۸۰	حذف عوامل آزاردهنده	
کالن	کتاب «گزیده منظر شهری» ۱۳۷۷	حضور دیگران	

با مقایسه ی پژوهش های صورت گرفته در خصوص معیارهای حضور پذیری، با در نظر گرفتن اندیشه های صاحب نظران و همچنین جمع بندی جدول ۲، معیارهای حضور پذیری افراد را در ۲ گروه: الف) ابعاد کالبدی با عنوان: معیارهای حضور پذیری کالبدی، ب) ابعاد اجتماعی فرهنگی با عنوان: معیارهای فردی حضور پذیری زنان قابل دسته بندی است.

## ۲-۴- معیارهای کالبدی حضورپذیری

با توجه به مطالب ذکر شده و جمع‌بندی‌های صورت گرفته، معیارهای کالبدی حضورپذیری را می‌توان در ۵ گروه دسته‌بندی نمود که شامل: ایمنی و امنیت، تنوع و سرزندگی، خوانایی، حذف عوامل آزاردهنده و حضور دیگران می‌باشد.

### ۱-۲-۴- ایمنی و امنیت

یکی از مسائل اساسی محوطه، میزان امنیت و یا ناامنی آن می‌باشد که این مسئله می‌تواند با بررسی افرادی که فضا را اشغال کرده‌اند و یا با نگرستن به مشخصات فیزیکی محوطه مورد سنجش و شناسایی قرار گیرد. ترس از جرم و جنایت دلیلی بر فاصله گرفتن مردم از محوطه‌های عمومی بوده است (مدنی پور، ۱۳۸۹: ۲۴۵). محوطه‌های جمعی هر مجتمع، نقش مؤثری در امنیت مجتمع ایفا می‌کنند. چیکوبز معتقد است که با سه ویژگی می‌توان بر غریبه‌ها چیره شد: اول اینکه میان فضای عمومی و خصوصی حد و مرز تعیین شده باشد تا تفاوت‌های میان غریبه‌ها و ساکنین آشکار گردد، دوم اینکه امکان نظارت یا "چشم‌های محوطه مسکونی" می‌باشد و سومین مورد، عامل سرزندگیست (چیکوبز، ۱۹۶۳). هیلر معتقد است که حضور ساکنین باعث تقویت احساس امنیت در محوطه‌های مجتمع‌های مسکونی می‌شود. بدین معنی که هر چه بیشتر حضور طبیعی ساکنین در فضا حذف شود، میزان وقوع خطر نیز بیشتر خواهد بود. (کارمونا و همکاران: ۱۳۸۸)

### ۲-۲-۴- تنوع و سرزندگی

محوطه‌های مجتمع مسکونی، عرصه‌ای هستند که زندگی جمعی در آن در حال جریان است. فعالیت و حضور فعال و یا غیرفعال در آن، در عین فراهم آوردن عرصه‌ای برای تعامل و رویارویی ساکنین، در سرزندگی و سلامت روحی روانی استفاده-کنندگان تأثیرگذار می‌باشد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۵). محوطه‌های مجتمع مسکونی را می‌توان مکانی که دارای فضای راحت برای نشست، نور خوب و ملاقات با ساکنین دیگر را امکان‌پذیر سازند و محوطه‌های که امکان فعالیت در آن وجود داشته باشد، بیان کرد. (لنگ، ۱۳۸۳) یک محوطه‌ی مسکونی که در آن حضور تعداد زیادی از افراد و تنوع آنها (از نظر سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی در طول روز که فعالیت هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می‌یابد، به چشم می‌خورد را می‌توان یک "محوطه‌ی سرزنده" بیان کرد. حضور ساکنین، لازمه‌ی سرزندگی در محوطه است. به عنوان مثال، اگر محوطه‌ای، فضایی امن و مطلوب را فراهم می‌سازد، حضور ساکنین به صورت فعال و به طبع آن سرزندگی و زیست‌پذیری نیز افزایش می‌یابد (خستو و همکاران، ۱۳۸۹).

### ۳-۲-۴- خوانایی

کوبین لینیچ، فردی بود که نخستین بار مفهوم خوانایی را مطرح کرد. او با تکیه بر کیفیت‌های بصری محیط، درجه‌ی خوانایی را قابلیت کالبد فضا از طریق صفت‌هایی مثل شکل، رنگ و نظمی می‌دانست که بتواند تصویری مشخص با بافتی دارای استحکام از محیط در ذهن ناظر ایجاد کند (لینیچ، ۱۳۷۴). برخی از افراد با توجه به نقش محیط اجتماعی در کنار رابطه‌های فضایی به عنوان دو مفهوم درهم تنیده در فهم محوطه‌های مسکونی، برای مفهوم خوانایی ابعاد اجتماعی نیز قائل هستند و خوانایی اجتماعی را مکمل خوانایی فضایی دانسته و آن را مبتنی بر یک زنجیره فرهنگی و تعامل انسان و محیط اطراف خود می‌دانند (رامادیر و موزر، ۱۹۹۸). کریستین نوربرگ شولتز (۲۰۰۵) دارای نظریاتی مشابه لینیچ در باب ساختار محوطه‌ها می‌باشد و او معتقد است که محوطه-ها، راه‌ها و قلمروها چارچوب‌های اساسی برای جهت‌یابی می‌باشند، چارچوب‌هایی که جزو عناصر اصلی فضای وجودی می‌باشند. هرزوغ و لوریچ دو فردی که خوانایی را به عنوان ویژگی‌هایی از یک فضا معرفی می‌کند که درکی را از راه ایجاد نقشه‌های شناختی و راهیابی فراهم می‌کند. میزان خوانایی به شکل‌گیری نقشه شناختی در ذهن یابنده مسیر بستگی دارد از دیدگاه بل و همکارانش (۲۰۰۵) خوانایی میزان تمایزی است که بیننده را قادر می‌سازد تا به درک و یا دسته‌بندی مؤلفه‌های یک صحنه بپردازد. تیبالدز معتقد است که محوطه‌های مسکونی خوب خوانا هستند، یعنی می‌توان آنها را مانند یک کتاب خواند. این بدان معناست که افراد باید بتوانند خود را در محوطه‌ها جهت‌یابی کنند؛ از دیدگاه او در فرم محوطه‌ها خواناتر علائم کمتر مورد نیاز است (تیبالدز، ۲۰۰۱، ۹۱).

### ۴-۲-۴- حذف عوامل آزاردهنده

وایت در این باره معتقد است، با انجام ندادن خیلی از کارها، فضایی بیشتر برای نشستن بوجود می‌آید. مانند: حذف دیوارهای بلند، نرده‌های فلزی، سیم خاردارهای روی نرده، مانع‌های فلزی، پله‌هایی که شیب تند دارند و دوربین‌های مدار بسته اضافی (وایت، ۱۹۸۰).

## ۴-۲-۵- حضور دیگران

از نظر وایت، الگویی که بیش از همه چیز بر حضور ساکنین تأثیر می‌گذارد، حضور دیگران می‌باشد. وایت این امر را الگویی همانند دانست که قابل تعمیم برای اکثر فضاهای همگانی و وجه مشترک بین تمام تیم تحقیق وی می‌باشد. این در حالیست که بیشتر محوطه‌های مسکونی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مردم بتوانند از یکدیگر دوری کنند (پاکزاد، ۱۳۸۹).

## ۴-۳- حضور زنان در فضاهای مسکونی

حضور زنان در فضاهای بیرونی و خارج از خانه با اشتغال زنان در جامعه صنعتی آغاز شد و بدین ترتیب لزوم حضور آنها در قلمرو گسترده تری اتفاق افتاد. برای نمونه طی قرن نوزدهم در ایالات متحده تولید کالاها به خارج از منازل منتقل شد و وظایف زنان و مردان دوباره سازماندهی گردید. بنابراین زنان به دلایلی مانند کارهای روزمزد وارد قلمرو عمومی شدند. آنها به تبعیض‌های موجود اعتراض کردند و خواستار اعاده‌ی حقوق سلب شده از زنان شدند (Krenichyn, ۲۰۰۴).

انتظام فضایی به تولد ساخت‌های تفکیک جنسی و رفتار جنسی کمک می‌کند و همچنین در بیان هویت، آن‌ها را صراحت می‌بخشد. خطوط جدایی و فضای اجتماعی با محیط‌های شهری تقویت می‌شود. اما افراد نیز فضاهایی را در محوطه‌های مجتمع‌های مسکونی پیدا می‌کنند که تفاوت را بیان یا عملی سازد بنابراین، تفکر درباره‌ی جنس و ویژگی‌های جنسی، تفکر درباره کنش متقابل عمل فضایی، تفکیک اجتماعی و به هم بستگی‌های نمادین در عرصه‌های مجتمع‌هاست. بررسی و حل و فصل موضوع جنس و جنسیت در مجتمع‌ها، تا اندازه‌ای درک وضعیت بدن‌ها در محوطه‌هاست. زنان به طور متفرد با قرار دادن خود در خارج از مکان، نه فقط نظم مسلط فضای اجتماعی را ناپایدار کرده بلکه برای خود، فضاهای حرکت پدید آورده‌اند. حتی در زمینه‌های شهری که اصول فرهنگی یا قانون دستیابی زنان به فضاهای عمومی را نفی نمی‌کند، می‌توان بحث کرد که ادراکات و بهره‌گیری بسیاری از زنان از فضای شهر به علت منطق سلطه و ترس از رفتار جنسی، محدود می‌شوند (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۲). خصوصیات اجتماعی فرهنگی افراد در جوامع مختلف بر نحوه تصرف عرصه‌ها و خصوصیات فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. فضای کالبدی معماری و شهر که فضای اجتماعی را دربر می‌گیرد با دگرگونی‌های مفهوم جنسیت تغییرپذیر است (ورمقانی و همکاران، ۱۳۹۳). با این حال زنان دارای نیازها، نقش‌ها، هنجارها و مسائل اجتماعی مخصوص به خود هستند (مولایی و لطفی، ۱۳۹۸). باتوجه به این- که غالباً خانه‌داری، اشتغال خاص زنان تلقی می‌شود، حتی اگر آن‌ها در پایگاه‌های شغلی هم تراز با شوهران‌شان شاغل باشند (رستگار خالد، ۱۳۸۵).

## ۴-۴- معیارهای مختص حضورپذیری زنان

هرچند درک و تجربه گروه‌های مختلف در محیط متفاوت از یکدیگر است عوامل متعددی زنان را در فضاهای شهر محدود می‌کنند عوامل کالبدی و طراحی فضاها و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند. قلمروهای متفاوتی که برای زنان و مردان متصور می‌شد و در عین حال ساخت شهرها که بوسیله مردان صورت می‌گرفت و بدین ترتیب نیازهای مرد متوسط را مورد توجه قرار می‌داد به خلق فضاهای جنسیتی منجر شد. آنچه که کارپ استن و یولز ماهیت جنسی شده محوطه‌های شهر می‌نامند را می‌توان در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک‌پذیری زنان مشاهده کرد که این محدودیت را به لحاظ فیزیکی با القا الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌کند و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه (مدنی پور، ۱۳۴، ۱۳۷۹) آزادی زنان در شهر به روش‌های متعددی محدود می‌شود که موانعی را بر سر تحرک و جنب و جوش آنها در شهر پدید می‌آورد. محدودیت ساختاری حاصل از گسترش مناطق شهر، زنان را وادار می‌کند از مراکز فعالیت به دور بمانند و فرصت‌هایشان کاهش یابد به ویژه به دلیل وابستگی شدیدی که زنان به وسایل حمل و نقل عمومی دارند. جدا شدن خانه از کار در فرآیند صنعتی شدن و به حومه راندن زندگی شهری هر روز بیشتر از پیش زنان را از تحرک اجتماعی و مکانی باز می‌دارد. محیط‌های برنامه‌ریزی شده و نو در قرن بیستم که خانوارهایی را که هر روز فزون‌تر می‌شود را در خود جای داده است موانعی مکانی برای زنان پدید آورده است (پروین و عالم، ۱۳۹۸: ۱۰۰). مخصوصاً زنان طبقه متوسط که بنا به فرض باید خانه‌دار باقی بمانند. به هر حال خدمت بزرگ به کیفیت زندگی جمعی اغلب اوقات به درستی شناخته نشده است و از آنجا که به شکل کارمزد پرداختی نبوده است کاری نامشهود باقی مانده است کارپ استن و یولز (۱۹۹۱) بدین ترتیب موارد متعددی در قالب‌های فیزیکی، اجتماعی، روانی، مکانی و ... آزادی حرکت و حضور زنان در محوطه‌ها را محدود می‌نماید (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۲۶).

#### ۴-۱-۴- سطح سواد

یکی از مسائل و مشکلات زنان در جوامع عدم بهره‌مند بودن از تخصص و مهارت‌های لازم و سطح سواد مورد نیاز است. زنی که به لحاظ عدم تخصص و تحصیلات لازم از مسئولیت‌های انسانی‌اش تهی می‌گردد حتی امکان لازم و کافی بروز غرائز طبیعی مثبت و منفی را هم نخواهد داشت. چه رسد به اینکه در جامعه بخواهد اعتلا و رشد یابد (پروین و عالم، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

#### ۴-۲-۴- عدم خودباوری و اعتماد

یکی از مقوله‌هایی که گریبان‌گیر زنان جوامع است عدم خودباوری و اعتماد به نفس در مقابل مسئولیت‌های اجتماعی و بیرون از خانه است. از دیرباز باور ساخته شدن زن برای امور خانه نه حضور در اجتماع بر جامعه حاکم می‌باشد هر چند امروزه بسیاری از افراد جامعه موافق این موضوع نمی‌باشند اما این باور در اذهان عمومی رخنه نموده که زنان در جامعه امنیت کافی ندارند و این امر عدم حس تعلق به فضای جمعی را برای زنان ایجاد می‌کند و زنان ترس از وقوع اتفاقی ناخوشایند را در خارج از خانه دارند این مسئله موجب صلب اعتماد به نفس در زنان شده و از حضور آنان در تجمع جلوگیری می‌نماید (پروین و عالم، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

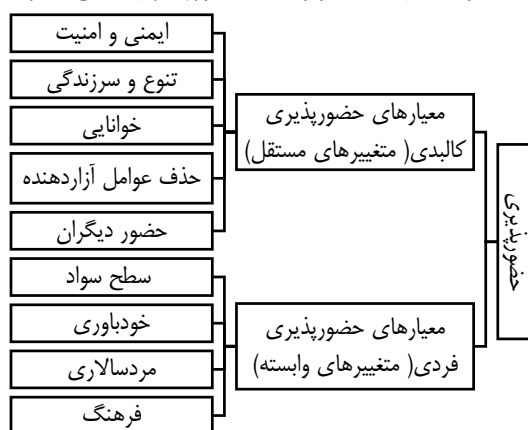
#### ۴-۳-۴- مرد سالاری

در جوامع مردم سالار و دموکراتیک، فضاهای عمومی مکان‌های اجتماعی هستند که شهروندان می‌توانند همبستگی و همچنین اختلاف نظرشان را ابراز دارند. از این رو عجیب نیست که حکومت‌های دیکتاتور سعی استفاده از فضاهای عمومی را با اداره شدید توسط پلیس و نیروهای امنیتی، کنترل کنند (لطیفی، خانی و خاکساری رفسنجانی، ۱۳۹۴: ۷۸). در اکثر جوامع نهاد خانواده به صورت مردسالاری اداره می‌شود، حال این مرد ممکن است همان پدر خانواده باشد و بعد از آن در صورت از کار افتادگی پدر یا فوت او به وسیله پسر ارشد؛ اما اینکه مردسالاری به عنوان یک مانع در سر راه رشد و تعالی زنان و دختران خواهد بود. طراحی فضاهای جمعی بصورت مرد سالارانه نیز از موانع حضور و فعالیت زنان در محوطه‌ها می‌باشد بطوری که فضاهای جمعی خاصی برای حفظ امنیت زنان طراحی نشده وجود مبلمان شهری مناسب زنان و طراحی پیاده‌روهایی متناسب با حرکت راحت تر زنان می‌تواند در ارتقاء حضور زنان و شرکت در تعاملات اجتماعی موثر باشد (پروین و عالم، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

#### ۴-۴-۴- فرهنگ و باورهای شایع

ارزش‌های شایع در هر جامعه و پایبند بودن به آنها در جامعه از دیدگاه افراد آن جامعه اهمیت فراوانی دارد بطوری که افراد جامعه برای تعاملات چهره به چهره قوانین نانوشته وضع نموده اند که نقض آن موجب ترد شدن از سمت مردم و جامعه می‌باشد. ترس ناشی از نوع نگرش و باورهای نادرست و خود ساخته ساکنین و مردم که به صورت فرهنگ بروز داده می‌شود سبب اجتماع گریزی زنان می‌گردد (پروین و عالم، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

شکل ۱- مولفه‌های مستقل و وابسته حضور پذیری، منبع: نگارندگان





## ۵- یافته‌ها و نتایج

در این بخش مشخص می‌گردد که در تبیین روابط ساختارهای ارتباطی در فضاها، مؤلفه دسترسی این ارتباطات را فراهم می‌آورد. در مؤلفه امنیت، امکان نظارت ساکنین مطرح شده بود که در فضاهای ارتباطی باید برای فرد حالت گنگ یا مبهم نباشد تا فرد در طی مسیر علاوه بر مسیریابی سهل و آسان، احاطگی و دید کامل به فضا مجاور خود را نیز داشته باشد. برای ایجاد تنوع و سرزندگی در مسیرهای دسترسی یا ارتباطات فضایی به همدیگر، با ایجاد مسافت‌های خرد یا طراحی بلوک‌های ریزدانه و کوتاه می‌توانیم این تنوع و سرزندگی را در مسیرهای دسترسی به وجود بیاوریم. با حذف کردن دیوارها یا موانع در مسیرهای دسترسی می‌توانیم سبب کوتاهی مسیر شویم و عبور فرد در مسیر را هم از لحاظ زمانی کوتاه کنیم و هم از مسیر پر پیچ و خم به یک مسیر ساده و واضح تبدیل نماییم. خوانایی و واضح بودن یک مسیر برای فرد، علاوه بر افزایش امنیت سبب آگاهی فرد نسبت به طی مسیر خود گشته و این آگاهی حاصل احاطگی به مسیر بر اثر مهیا بودن دامنه دید است. خوانا بودن یک بنای معماری می‌تواند با طراحی حجم بنا به سبک معماری صورت پذیرد، بنابراین با ایجاد تمایز بنا با سایر بناها، وضوح در زمینه معماری آن می‌توانیم خوانایی را ایجاد نماییم. سادگی و پیوستگی در فضاها بنا موجب خوانایی آن می‌شود. طراحی بنا با تناسب در پیوستگی فضاها و سادگی آن‌ها مثر ثمر است. تنوع و سرزندگی در فضاهای معماری موجب ایجاد تراکم و تمرکز جمیت می‌شود. همچنین متراکم بودن حجم بنا در طراحی موجب ایجاد تنوع و سرزندگی فضاهای معماری می‌شود. متراکم بودن حجم بنا موجب ایجاد فضاهای همگانی می‌شود، که این فضاهای همگانی، حضورپذیری افراد در آن‌ها را موجب می‌شود. همان گونه که گفته شد با متراکم کردن فضاهای بنا، فضاهایی برای حضورپذیری ایجاد می‌شود که می‌توان با طراحی فضاهای نشستن به مؤلفه حذف عوامل آزار دهنده تعمیم بخشید. حذف کردن عوامل همچون دیوارهای بلند یا موانع زیبایی همچون سیم خاردارهای روی نرده‌های دیوارها در نماها می‌تواند خط آسمان بناها را متناسب و حفظ نماید. حفظ خط آسمان، تسلسل و پیوستگی فضایی در نماهای بناهای معماری را موجب می‌شود. طراحی ورودی در نمای بناهای معماری باید به گونه‌ای باشد که حدو مرز میان فضاهای خصوصی و عمومی از آنجا تعیین و مشخص شود. ورودی همچون سایر نقاط شفاف در نمای بناها (پنجره‌ها) باید امکان دید و نظارت توسط افراد داخل بنا به خیابان (معابر) را فراهم نماید. سادگی یک بنای معماری، خوانایی آن بنا را افزایش می‌دهد. واضح بودن مفصل‌هایی همچون ورودی، برتری و شاخص بودن آن، خوانایی و حس دعوت‌کنندگی آن را نیز افزایش می‌دهد. طراحی عناصر زیبایی در نمای بناهای معماری موجب ایجاد سرزندگی محیط‌های مجتمع‌های مسکونی می‌شود؛ فلذا تزئینات نمای بناها می‌تواند سبب ارتقاء مؤلفه تنوع و سرزندگی شود. وجود عواملی که باعث شود تزئینات موجود در نمای بنا زیبا شود، باید حذف شوند تا زیبایی بصری را در دید ناظر کاهش ندهند. تعیین جهت خاص توده و فضا در طراحی یکی از علل خوانایی آن بنا نیز می‌باشد، به طور مثال جهت گیری مسجد شیخ لطف الله اصفهان به سمت قبله، علاوه به دستیابی به این موضوع، باعث وضوح هر چه بیشتر آن در دید ناظر و کشیدن دامنه دید فرد بازدیدکننده به آن می‌شود. همانگونه که قبلاً در مباحث ذکر شد، خوانایی بنا موجب افزایش امنیت می‌شود. یکی از گزینه‌های موجود در امنیت نیز امکان نظارت فرد به خارج از ساختمان است. عامل‌هایی که دید بصری ناظر را مختل نماید مانع بهره‌گیری وی از مناظر اطراف خواهند شد. بنابراین حذف کردن این موانع باعث تقویت چشم ناظر به اطراف خود خواهد شد.

در مؤلفه خوانایی به دنبال پیوستگی و سادگی فرم‌ها هستیم. تراکم و تمرکز جمعیت از عوامل ایجاد تنوع و سرزندگی در یک فضای معماری است. بنابراین با ایجاد فضاهای مکث در طراحی معماری می‌توان به این مؤلفه دست یافت. در مؤلفه حضور دیگران، طراحی فضاهای همگانی، هدف این مؤلفه است. با ایجاد فضاهای نشستن در طراحی معماری به جای موانع دیگر می‌توان به این مؤلفه پاسخ داد. در داخل فضاهای کالبدی بیشترین فعالیت افراد در فضاهای جمعی و تمرکز و تجمع یافتن در عرصه‌ها است که باید با گزینه امنیت همراه باشند. امنیت از حیث وجود حد و مرزهای بین عرصه‌های خصوصی و عمومی، امکان نظارت فرد به خارج از عرصه داخلی خود تأمین می‌شود. همانطور که مطرح شد، محل فعالیت (تجمع افراد - فضاهای جمعی) باید ایمن باشند، با مختلط شدن کاربری‌ها، ایجاد بلوک‌های ریزدانه می‌توان این تمرکز جمعیت یا در واقع تنوع و سرزندگی را در کنار هم ایجاد کرد. حضور دیگران مگر با طراحی فضاهای همگانی امکان پذیر نیست. در دو بحث قبلی با ایجاد فضاهای ایمن و متنوع در فضاهای همگانی می‌توانیم به فعالیت افراد در فضاهای معماری یاری رسانیم. سازماندهی محیط مصنوع با ویژگی‌های درونی کالبدی همچون مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس همراه است. پیوستگی و سازماندهی فضایی موجب خوانایی و وضوح فضایی می‌شود و دامنه دید مخاطب را ارتقا می‌دهد. یک فرد در محیط کالبدی خود به وجود حد و مرزهای میان فضای زیستی نیاز دارد که ایمنی او را فراهم سازد. ارتباط با محیط اطراف معماری و روابط اجتماعی افراد، یکی دیگر از نیازهای زیستی انسانی است. ارتباط اجتماعی یک فرد با محیط بیرون خود و انسان‌های خارجی، با طراحی فضاهای نشیمن در فضاهای همگانی برآورده می‌شود. مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت، رفتاری متناسب با آن فضا را از خود بروز می‌دهند. بنابراین در فضاهای ایمن، مردم با اطمینان خاطر حضور یافته این احساس امنیت را به نوعی آشکار می‌نمایند. مردم براساس قرائت شان از محیط، رفتار و عمل می‌نمایند. بنابراین محیط‌های خوانا برای مخاطب، می‌تواند ایمن بودن و اطمینان خاطر از آن مکان را به وجود آورد. در هر چهار مؤلفه

حضورپذیری، طراحی فضاهای جمعی می‌تواند برای نیازهای اجتماعی انسان در فضاهای کالبدی پاسخگو باشد. چون در هر چهار مؤلفه تمرکز به طراحی فضاهای همگانی، فضاهای نشیمن و تراکم جمعیت جزو اهداف رسیدن به آن مؤلفه‌ها برای ارتقا روابط اجتماعی افراد است. یکی از ریز مؤلفه‌های خوانایی، اسامی و معانی در طراحی فضاهای کالبدی است. چون نام‌ها و معناها به عنوان یک نماد در اذهان عمومی و سیمای محوطه ماندگار بوده و به آن مکان خوانایی می‌بخشد. در جدول شماره ۳، راهبردهای طراحی حضورپذیری به همراه ریزمؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن بیان گشته است.

در این بخش پس از استخراج شاخصه‌های حضورپذیری با توصیف و ارزیابی تک به تک مؤلفه‌های حضورپذیری، تمام مؤلفه‌ها را مورد تحلیل قرار داده و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مطالعه پژوهش‌های صورت یافته در زمینه حضورپذیری و با تعمیم موضوع حضورپذیری به بانوان، بر اساس مباحث صاحب‌نظران و کارشناسان با رویکرد تحلیل محتوا جدول ۳ تنظیم گشته و معیار-های حضورپذیری در ۵ مورد ذکر شد. این معیارها در ۱۹ شاخصه مورد بررسی و راهبرد هر کدام از این طریق قابل استنتاج می‌باشد.

جدول ۳- راهبردهای طراحی حضورپذیری فضاهای محیط‌های مسکونی، منبع: نگارندگان

ردیف	معیارهای حضورپذیری	شاخصه	راهبرد
۱	ایمنی و امنیت	مرز فضاهای عمومی و خصوصی	حفظ امنیت فضاهای خصوصی بانوان
		نظارت ساکنین	افزایش نظارت بر فضا
		سرزندگی	استفاده از عملکردهایی با ساعت‌های استفاده متفاوت برای بانوان
۲	تنوع و سرزندگی	اختلاط کاربری‌ها	استفاده از فضاهایی برای مشارکت بیشتر بانوان با یکدیگر
		بلوک‌های ریز دانه و کوتاه	منعطف بودن ساختمان و دسترسی آسان به تمام بخش‌های آن و مناسب برای بانوان
		آمیزه‌ی ساختمان‌های نو و کهنه	تنوع احجام تشکیل دهنده بنا
		تراکم و تمرکز جمعیت	تنوع فضایی برای بانوان در همه سنین
۳	خوانایی	اسامی و معنا	نشانه و نماد به عنوان یک عامل ارتباطی به منظور معرفی هویت و مکان
		تسلسل	سلسله مراتب حرکتی
		آگاهی به حرکت	دسترسی راحت به فضا
		دامنه دید	تداوم بصری
		تنوع تعیین کننده جهت‌ی خاص	دسترسی پذیری به مجموعه
		وضوح در مفصل‌ها	تنوع دید برای ایجاد جذابیت برای گروه اجتماعی بانوان
		برتری و تسلط	قابل درک بودن مسیر حرکت
		پیوستگی	جلوگیری از گم شدن در فضا
		سادگی فرم	دقت در انتخاب احجام بنا
		تمایز (وضوح زمینه)	تنوع بصری
۴	حذف عوامل آزار دهنده	فرهنگ ساکنین	ماندن بانوان در فضا به وسیله طراحی صحیح و متنوع
		دعوت کنندگی	امکان حضورپذیری بانوان
۵	حضور دیگران	دعوت کنندگی	امکان حضورپذیری بانوان

این پژوهش در پی حضورپرنگ بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و نیز نقش تاثیرگذار بانوان در زندگی جمعی، به دنبال یافتن راهبردهایی برای افزایش حضور بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی بوده است. فلذا در پی پاسخ به این پرسش اساسی «شاخص‌های اجتماع‌پذیری و حضورپذیری بانوان در مجتمع‌های مسکونی کدام‌اند؟»، معیارهای حضورپذیری بانوان از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مطالعه پژوهش‌های صورت یافته در زمینه حضورپذیری و بر اساس مباحث صاحب‌نظران و کارشناسان با رویکرد تحلیل محتوا، در ۵ دسته‌ی ایمنی و امنیت، تنوع و سرزندگی، خوانایی، حذف عوامل آزاردهنده و حضور

دیگران تنظیم گشت. و مجموعاً در ۱۹ شاخصه اصلی قابل استنتاج از این مولفه‌ها، ۱۹ راهبرد طراحی، به منظور افزایش اجتماع پذیری و حضورپذیری بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی در قالب جدول ۳ ارائه شد. شناخت مولفه‌های کالبدی اثرگذار بر حضورپذیری بانوان در محیط‌های مجتمع‌های مسکونی، موضوعی اثرگذار بر افزایش کیفیت زندگی جمعی و بهبود وضعیت روحی، روانی و عاطفی بانوان و در نتیجه اثر مثبت بر کیفیت زندگی خانواده‌ها دارد.

## منابع

- ۱- آقازاده داود، (۱۴۰۰)، «طراحی مجتمع حضورپذیر با رویکرد زمینه‌گرایی در بافت تاریخی تبریز»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز.
- ۲- اینانلو علی، (۱۳۸۰)، «برنامه‌ریزی مسکن تحلیلی بر عرضه و تقاضای مسکن شمال شهر قزوین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۳- بختیار نصرآبادی آمنه، بختیار نصرآبادی حسنعلی، بختیار نصرآبادی احمد، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر فضاهای شهری مردم‌گرا و رابطه آن با رفتار شهروندی»، جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۲، شماره پیاپی، ۲۳ شماره سوم.
- ۴- پاکزاد جهان‌شاه، (۱۳۸۹)، «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی از کمیت تا کیفیت»، چاپ اول. تهران: انتشارات نشر و پخش ثمین.
- ۵- پاکزاد جهان‌شاه، (۱۳۹۱)، «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران»، تهران: انتشارات شهیدی.
- ۶- پروین راحله، عالم سارا، (۱۳۹۸)، «عوامل موثر فضاهای شهری در راستای اجتماع پذیری با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی زنان»، نشریه معماری شناسی، شماره ۱۲، ص ۹۹-۱۰۳.
- ۷- پورقاسم نازیلا، مرادی مسیحی وراز، بندر آباد علیرضا، (۱۳۹۸)، «بررسی حضورپذیری کودکان در فضاهای عمومی با رویکرد عدالت فضایی در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری»، نشریه جغرافیا، شماره ۴، ص ۲۸۷-۳۱۳.
- ۸- خستو مریم، نویدی رضوانی نوید، (۱۳۸۹)، «عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری (خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده)»، مجله هویت شهر، شماره ۶.
- ۹- رستگار خالد امیر، (۱۳۸۵)، «اشتغال زنان و ضرورت‌های کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی»، دو ماهنامه علمی و پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۳ (۱۹)، ۵۲-۳۲.
- ۱۰- رضازاده راضیه، محمدی مریم، (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری»، هنرهای زیبا، شماره ۳۸، ص ۱۰۵-۱۱۴.
- ۱۱- شجاعی دلارام، پرتوی پروین، (۱۳۹۴)، «عوام موثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)»، باغ نظر (سال دوازدهم): ۹۴-۱۰۸.
- ۱۲- شیرانی حسین، (۱۳۸۲)، «ساماندهی مکان»، نشر دانش آفرین.
- ۱۳- ظابطیان الهام، تقوایی علی اکبر، (۱۳۸۸)، «فضاهای شهری دوستدار سالمندان با استفاده از رویکرد مشارکتی»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۸، ص ۶۰-۷۱.
- ۱۴- علمی زهرا، هاشم پور پریسا، مدقالچی لیلیا، (۱۳۹۹)، «اجتماع پذیری کالبدی مجتمع‌های مسکونی برای گروه سالمندان در تبریز (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی ستارخان، آسمان، علامه امینی و سپیدار)»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۹، بهار، ص ۱۸۷-۲۰۷.
- ۱۵- کارمونا متیو و دیگران، (۱۳۸۸)، «مکان‌های عمومی و فضاهای شهری (ابعاد گوناگون طراحی شهری)»، ترجمه فریبا لقایی و دیگران. انتشارات دانشگاه هنر.
- ۱۶- لطیفی غلامرضا، خانی حسین، خاکساری رفسنجانی علی، (۱۳۹۴)، «فضای شهری، حیات اجتماعی (بستری در تحقق تعاملات اجتماعی)»، انتشارات نگارستان اندیشه، تهران.
- ۱۷- لنگ جان، (۱۳۸۳)، «آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)»، ترجمه علیرضا عینی فر. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۸- لینیج کوین، (۱۳۷۴)، «سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- مدنی پور علی، (۱۳۸۹)، «فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان»، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

- ۲۰- مولایی محمدمهدی، لطفی آرزو، (۱۳۹۸)، «نقش زنان در شکل‌گیری فضاهای شهری»، نشریه علمی زن و فرهنگ، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- ۲۱- ورمقانی حسنا، سلطان‌زاده حسین، دهباشی شرف مزین، (۱۳۹۳)، «رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار»، باغ‌نظر، شماره ۳۷، ص ۲۹-۴۰.
- 22- Gehl, J. 1987. *Life Between Buildings*, Translated by J. Koch.
- 23- Jacobs, Jane. 1963. *The Death and Life of Great American Cities*. Randm House, New York.
- 24- Krenivhyn, k. (2004). Woman and physical activity in an urban park: enrichment and support through on ethic of care, *journal of environmental psychology*, vol. 24.
- 25- Ramadier, Thierry, Moser, Gabriel. 1998. Social legibility, the cognitive map and urban behavior, *Environmental Psychology*.
- 26- Tibbalds, Francis. 2001. *Making People- friendly Towns, improving the public environment in towns and cities*.
- 27- Whyte, William. 1980. *Social life of small Urban Space*. Conservation Foundation.